

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره سوم - پائیز ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۳

بررسی سبک مثنوی طاق‌دیس

(ص ۳۱۱-۳۰۱)

سید مهدی صدرالحفاظی^۱
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

یکی از آثار ادبی که کمتر مورد توجه قرار گرفته و مربوط به دوره بازگشت ادبی است، مثنوی طاق‌دیس است. فهم این اثر به دلیل وجود تعداد زیادی از لغات عربی دشوار و واژه‌های نامأنوس فارسی کهن، برای عموم کمی مشکل به نظر می‌رسد. سبک آن تمایل به دو سبک خراسانی و عراقی (دوره بازگشت) دارد. در این مقاله سعی شده است سبک مثنوی طاق‌دیس - با توجه به محدودیت صفحات - از هر یک از سطوح سه‌گانه فکری، زبانی و ادبی فقط با یک شاخص بررسی شود. (در سطح فکری، ویژگی محتوا، در سطح زبانی، حوزه لغات و در سطح ادبی، مقوله تشبیه). از جمله نکات مهمی که میتوان به آن اشاره کرد، تأثیرپذیری طاق‌دیس از مثنوی مولوی است. از ویژگیهای بارز سبک طاق‌دیس، استفاده فراوان از آیات و روایات و همچنین آرایه تلمیح است.

کلمات کلیدی:

مثنوی طاق‌دیس، نراقی، سبک دوره بازگشت، کلمات، آیات و روایات.

۱ - استادیار دانشگاه تهران msadr36@gmail.com

مقدمه:

حاج ملا احمد فاضل نراقی متخلص به «صفایی» در سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶ هجری قمری به دنیا آمد (حسن نراقی، ۱۳۶۲، ۸) وی بحری مؤاج، استادی ماهر و عماد اکابر و ادیب و شاعر و از اکابر دین و عظامای مجتهدین و جامع اکثر علوم، خصوصاً فقه و ریاضی و نجوم بود. (همان، مأخذ لغت نامه دهخدا) و در سال ۱۲۴۵ وفات یافت. مهمترین اثر ادبی این شاعر، (شیعی) مثنوی طاق‌دیس است که «از مشهورترین مثنویهای دوره بازگشت به حساب می‌آید» (خاتمی، ۱۳۷۴، ۲۹۰). مثنوی طاق‌دیس که قرار بود در چهار صفه سروده شود، در دو صفه، توسط ملا احمد سروده شد و پس از درگذشت او، دومین فرزند دانشمندش حاج ملا محمد جواد متخلص به «صفایی» که از ذوق شعر و ادب، بهره‌ی وافیه داشت، حسب وصیت پدر به قصد اتمام طاق‌دیس، صفه سوم آن را انشاد می‌نماید. (حسن نراقی، ۱۳۶۲، ۲۱) طاق‌دیس منظومه‌ای است با ۱۱۵۰۰ بیت که مشحون از پند و اندرزهای حکیمانه و اخلاقی آمیخته با لطایف و ظرایف ادبی است. هدف شاعر آشکار ساختن بسیاری از احکام و اوامر الهی و فصولی از مبانی اصول و فروع دین اسلام و راه و رسم نیکبختی بشر بوده است که با بیانی ساده، رسا و شیوا و قابل فهم و درک برای خواص و عوام به نظم درآمده است.

«وجود پاره‌ای از ابیات سست در طاق‌دیس باعث شد که شاعر در مقام علت سرودن آنها

برآید:

هر چه خواهی گو چه کج باشد، چه راست	آنچه می‌گویی گر از بهر خداست
گو به هر لفظی که خواهی آن خوش است	گر سخن با یاد یار دلکش است
قافیه مندیش، فرصت شد ز دست	او همی گوید که این شب کوتاه است
سر زند صبح و شود خاموش شمع	تا تو در اندیشه و وزنی و سجع
قافیه بگذار و بگذر از ردیف...»	از برای خاطر من ای حریف

(همان، ۱۱)

نگارنده با معرفی سبک طاق‌دیس در صدد آن بوده که این کتاب با ارزش تعلیمی - عرفانی را از گوشه کتابخانه‌ها بیرون آورده تا بیشتر مورد استفاده دوستداران ادب فارسی قرار گیرد.

سبک‌شناسی مثنوی طاق‌دیس

در این پژوهش بیشتر به زوایایی از سبک طاق‌دیس می‌پردازیم که شاعر بدانها توجه داشته است و یا نسبت به دیگر آثار شاعران تفاوت‌هایی دارد؛ اهم آنها را میتوان در ذیل آورد: محتوا و مضمون، برخی از عناصر زبانی و ادبی.

بررسی سطوح سه گانه فکری، زبانی و ادبی:

الف) سطح فکری

(شاخص محتوا) محتوا و مضمون هر نوشته بیانگر افکار صاحب آن نوشته است. اگر برای بررسی هر سبکی چنانکه سیروس شمیسا قائل است، سه سطح زبانی، فکری و ادبی را قائل باشیم، (شمیسا، سیروس، کلیات سبک شناسی، ۱۵۳) محتوا و مضمون را میتوان در سطح فکری سبکها گنجانند.

اهم مضامین:

۱- استفاده از آیات نورانی قرآن کریم: نراقی در سراسر طاقدیس سعی بر آن داشته که آیات قرآنی را مورد توجه قرار دهد و آنها را یا بطور اقتباس، یا تلمیح و یا بصورت مشروح در اشعار خود بیاورد. اصولاً یکی از دلایل غنای فرهنگی و ادبی ما همین بن مایه‌هایی است که شاعران در اشعار خود از آن بهره‌های فراوان برده و به شعر خود رنگ و روی مذهبی بخشیده‌اند. در این قسمت به بعضی از آیات اشاره میکنیم:

۱/۱- و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ، فَسَجَدُوا اِلَّا ابْلِيسَ... (کهف / ۱۸)

چونکه آدم را خداوند مجید	در زمین بهر خلافت آفرید
حکم فرمان آمد از ربّ ودود	تا ملایک جمله آرندش سجود
از پس فرمان، ملایک اجمعین	سر نهادند از اطاعت بر زمین...
زان میان شیطان که خاکش بر دهن	گفت ناید سجده آدم ز من
من از آن خاکی نسب بالاترم	او ز خاک پست و من از آذرم

(طاقدیس، ۳۶)

۱/۲- یَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ، قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي... (اسراء / ۱۷):

روح را خواهی اگر اصل و نسب	از قل الروح من امر رب طلب
هان و هان بنگر که سلطان الست	روح را نسبت به خود فرموده است
گفته روح از عالم امر است و امر	نیست او را نسبتی با زید و عمرو...

(طاقدیس، ۱۴۲)

۱/۳- مَنْ يَعْشِ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نَقِيصٌ لَهُ شَيْطٰنًا فَهُوَ قَرِيْنٌ. (زخرف / ۴۳)

چون دل از یاد خدا غافل شود	دیو اهریمن در آن داخل شود
همرهان قدس یاران وطن	روح را بدرود گویند آن زمن
رخت از آن ویرانه ده بیرون کنند	روح را در چنگ اهریمن نهند

(طاقدیس، ۱۵۱)

و آیات بسیاری چون: و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنَ اللَّهِ إنداداً... (بقره / ۲) ، انی وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّى فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... (انعام / ۶) ، إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ... (تغابن / ۵۴) کَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئاً... (طور / ۵۲) و آیات بقره / ۲۷۲ ، حدید / ۶ ، اسراء / ۴۶ ، صافات / ۹۳ ، فصلت / ۴۱ ، حشر / ۵۹ و ...

۲- استناد به احادیث: شاعران شیعی سعی بر آن داشته اند که به دنبال آیات، کم و بیش از روایات معصومین (ع) استفاده کنند و اشعار خود را به آنها مزین سازند. البته شاعران اهل سنت بیشتر اکتفا به فرمایشات پیامبر اکرم (ص) کرده و یا به روایات مجعول که در کتب خود یافته اند، استناد جسته اند. در اینجا به بعضی از احادیث اشاره میشود:

۲/۱- حدیث قدسی: مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ شَبْرًا، تَقَرَّبْتُ ذِرَاعًا وَ مَنْ تَقَرَّبَ ذِرَاعًا، تَقَرَّبْتُ بَاعًا: (پیام پیامبر، ۲۶۲، گنجینه روایات نور)

هر که نزدیک من آید یک ذراع	من روان گردم سوی او باع باع
هر که پیماید ره من میل میل	من به فرسخ فرسخ آیم آن سبیل

(طاق‌دیس، ۲۸)

۲/۲- امام صادق (ع): الْعَقْلُ مَا عَبَدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانَ: (الحکم الزهراء ، ج ۳ ، ۳۸ ، گنجینه روایات نور)

عقل می دانی چه باشد ای پسر	آنکه باشد سوی جنت راهبر
عقل می دانی چه باشد ای رفیق	آنکه برهاند ترا از هر مضیق

(طاق‌دیس، ۱۴۶)

و احادیث دیگری از قبیل: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ ، ص ۱۴۳ ، إِنَّمَا الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ ص ۱۴۱ ، اکثر اهل الجنة البلهاء ص ۲۶۵ ، لولاک لما خلقت الافلاک ص ۹۵ ، مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَةً ص ۳۴ و ...

(ب) سطح زبانی

۱- **کلمات بسیط:** (این تقسیم بندی براساس کتاب دستور مفصل امروز تألیف شادروان دکتر خسرو فرشیدورد انجام شده است. ص ۱۶۶ و ۱۶۷)

۱/۱- کلمات عربی: حدوداً بین ۲۲ تا ۲۵ درصد از اشعار طاق‌دیس را کلمات عربی تشکیل میدهند. این کلمات به دو دسته تقسیم میشوند: بعضی از آنها ضمن تازی بودنشان، شناخته شده هستند؛ مانند: عرش، رفیع، طوف، عرصه، ملک، وسیع، جمله، مستطاب و مؤتمن در ابیات زیر:

آشیانش کنگره عرش رفیع	طوفگاهش عرصه ملک وسیع (ص ۲۷)
-----------------------	------------------------------

جمله را آموزد و گوید سخن
پیش شاه مستطاب مؤتمن (ص ۲۹)
و کلماتی چون: غاشیه، عرصه و سمر (ص ۲۷)، سبیل، عطا و غفلت (ص ۳۳)
حاجب، عاصی، دخیل (ص ۲۹) و .. و بسیاری از واژگان عربی که معانی مشکلی دارند؛
مانند: تلبیس (ص ۳۳)، مبرز و صفه (ص ۳۴)، فتق و ندم (ص ۳۵)، صرصر و قلاع (ص ۳۶)
ضریر و سامه (ص ۷۵)، ذخار و زبول (ص ۷۶) عطب (ص ۸۱)، عدنگ (ص ۱۲۸)،
عویل (ص ۱۸۹)، مستهام (ص ۲۱۴)، معنعن و تنحنح (ص ۳۸۴)، فتن (ص ۴۰۷)،
انتقاض (ص ۴۱۱)، اقدار (ص ۴۱۳) و ...

۱/۲- کلمات ترکی و مغولی: از این کلمات کمتر استفاده شده است:

آغل (ص ۶۰)، برلیغ (مغولی، ص ۱۱۸)، چخماغ (ص ۱۴۲)، وثاق (ص ۲۹)، وشاق
(ص ۶۱)، چارق (ص ۱۰۸) فرقچی (مغولی، ص ۱۸۵)، تتق (ص ۴۱۲)، قلیچ (ص ۲۷۴)،
یاسه (مغولی، ص ۳۱۳) و ...

۱/۳- کلمات فارسی مهجور، نامأنوس، پهلوی و اوستایی: تعداد استفاده از این دسته

کلمات کم نیست:

جامغول (ص ۴۶)، مسته (ص ۴۴)، بادگان (ص ۳۷)، خشودن (ص ۶۶) بلاج (ص ۶)
دنگ (ص ۶۷) ایواره (ص ۶۸)، لاغ (ص ۷۸)، بداک (ص ۸۰) کرزمان (ص ۹۶) آسمند
(ص ۱۰۵)، شوشو (ص ۱۰۸)، همرس (ص ۱۱۲)، غنجموش (ص ۱۱۳)، و خشور (ص ۹۷)،
لویش (ص ۱۲۰)، راستا (ص ۱۲۱)، فرسندوج (ص ۱۲۷)، کلته (ص ۱۹۳)، کریشک (ص ۱۲۶)
سجام (ص ۱۳۱)، کدیور (ص ۱۳۰) و ژن (ص ۱۳۱)، گرین (ص ۱۶۸)، افچه (ص ۲۲۴)
زغنگ (ص ۱۷۱)، راوند (ص ۱۸۳)، فریش (ص ۱۸۶)، جمند (ص ۲۵۴)، تلواسه
(ص ۳۷۹)، غیش (ص ۳۸۶)، ویر (ص ۴۰۶) و ..

۱/۴- کلمات دساتیری: دساتیر عنوان کتاب مجعولی از آذر کیوان، حاوی شانزده نامه

که آنها را به پیامبران شانزده گانه مجعولی چون مه‌باد، جی‌افرام و ساسان پنجم از ایران
باستان نسبت داده است. بنابر اعتقاد فرقه آذر کیوان، این شانزده نامه را پیامبر شانزدهم...
به زبان فارسی جدید آمیخته به واژه‌های ساختگی دیگر ترجمه و تفسیر کرده ... لغات
ساختگی آن مایه گمراهی فرهنگ نویسان شد و از راه فرهنگ‌ها در شعرهای شاعرانی
مانند: فتح‌الله خان شیبانی، ادیب‌الممالک فراهانی و فرصت شیرازی راه یافت.... بعضی از
لغات دساتیری چون «تیمسار» (= حضرت) و «تنانی» (= جسمانی) امروز در زبان فارسی
رواج دارد. (شریفی، محمد، ۱۳۸۷، ۶۳۶) از این دست کلمات در مثنوی طاق‌دیس خیلی کم
به کار رفته است.

فرمند (مردم نورانی، ص ۱۲۶)، فرخشور (پیامبر ص ۱۲۷)، فرسندوج (امت پیامبر ص ۱۲۷)، فرساد (حکیم ص ۱۹۶)، زاب (صفت ص ۲۷۰) و ...

۱/۵- کلماتی که معانی آنها معلوم نشد، از جمله ملون و لاخ (ص ۶۵)، ژفت (ص ۷۵)، سمیناد (ص ۱۱۷)، سکار (ص ۱۹۴)، عانی و تاتوله (ص ۲۲۴)، کناد (ص ۲۲۸)، تیما (ص ۳۱۹) و ...

۱/۶- کلمات محاوره‌ای: کاشکی (ص ۲۲)، شیار (ص ۶۸) پیچ پیچ (ص ۶۹۰)، جَلَب (ص ۷۸)، بابا (ص ۱۰۵)، عروغور (ص ۲۶۸)، تَخَمَه، آروغ (ص ۲۳۱)، لپ لپ (ص ۳۱۰)، گشنگی (ص ۳۱۵)، مستراح (ص ۴۰۷)، شکنبه (ص ۳۹۸)، کاروبار (ص ۴۰۳)، خاک و خل (ص ۲۸۰) تللی، یللی (ص ۲۳۳) و ...

۱/۷- عبارات محاوره‌ای (کنایی): برریش او خندید (ص ۶۷)، مفت دادن (ص ۷۲)، کاسه لیسیدن (ص ۷۸)، خود را بر آب و آتش زدن (ص ۶۷)، خاک عالم بر سر (ص ۱۰۳)، مشت بر دهن زدن (ص ۱۰۵)، سرسام کردن (ص ۱۲۷)، کاسه زیر نیم کاسه بودن (ص ۳۷۹)، رم کردن (ص ۳۹۹)، گردن کج کرده (ص ۴۰۳) و ...

۲- **کلمات غیر بسیط:** که خود بر چهار قسمت است: مشتق، شبه مشتق، مرکب و پیچیده (همان) در این بررسی به بعضی از کلمات مشتق، مرکب و پیچیده‌ای اشاره شده است که یا ساخته شاعر و یا کم استعمال هستند.

۲/۱- کلمات مشتق: پلانگر (ص ۳۹) شکرستان (ص ۶۰) سنبلستان (ص ۶۱) ترکک (ص ۷۹) گولسار (ص ۱۷۱) عبیرستان (ص ۲۱۰) بوقستان (ص ۳۰۴) نوبت چیان (ص ۴۰۳) و ...

۲/۲- **کلمات مرکب:** «از عوامل تشخیص دادن به زبان و به قول صورت‌گرایان روسی از عوامل خارج کردن زبان از حالت اعتیادی آن، یکی هم ساختن ترکیبات است. خواننده با اجزای یک ترکیب از قبل آشناست و به تعبیر صورت‌گرایان روسی معتاد با آن اجزاست؛ اما ترکیب ممکن است بگونه‌ای باشد که در خواننده ایجاد شگفتی و آشناندایی کند. (شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، ۲۸) دایره ترکیبات بسیار وسیع است، بطوری که نمی‌توان برای آن حدی تعیین کرد. نویسنده یا شاعر با ذوق خویش میتواند ترکیباتی بسازد که از ترکیبات تکراری جلوگیری کند:

روزوش (ص ۶۱)، واروبین و دیوسار (ص ۶۴)، شبگوی (ص ۶۴)، بیمدار (ص ۶۶)، بادآورد (ص ۷۳)، موشکاف (ص ۸۲)، فرخ بال و باد آسا (ص ۱۲۷)، ریش مال و دامیار (ص ۱۷۱)، نیروآزما (ص ۱۷۳)، گل بو (ص ۱۸۴)، در خورند (ص ۲۰۷)، بت ستای (ص ۲۰۲)، گل پیره‌ن (ص ۲۰۴)، پایمزد (ص ۲۰۵)، شکار افکن و دلدوز (ص ۲۱۰)، آتش

نهاد (ص ۲۱۲)، خاشه روب (ص ۲۸۲)، پیمان غسل (ص ۲۶۲)، اوج باز (ص ۲۵۷)، پرگشا (ص ۳۹۹)، نیم خند (ص ۴۱۰)، هوس پیما (ص ۴۱۲) و ...

۲/۳- کلمات پیچیده: خاکی نسب (ص ۳۰)، سراندازی (ص ۶۴)، دیوسار (ص ۶۴)،

گرگ بازی (ص ۷۹)، خورشید گردانی (ص ۸۴)، زخمی گراز (ص ۱۷۴) و ...

۳- ترکیبات عربی: لایعقل (ص ۶۱)، حجاب الامتناع (ص ۷۵)، بین العالمین

(ص ۸۱)، ذوالحسب (ص ۸۷)، فحل العرب (ص ۸۷)، عین الحضر (ص ۸۸)، ذوالمنن

(ص ۹۲)، طیف المنام (ص ۱۱۳)، تنقیح المناط (ص ۱۲۳)، تحت الحنک (ص ۱۲۴)، محیی

الاموات و فارح الهمم (ص ۱۸۳)، ضیق النفس (ص ۱۸۷)، نعم الرفیق (ص ۱۸۸)، سوء المزاج

(ص ۱۹۲)، ذوخبر (ص ۱۹۳) لا احصى (ص ۱۹۳)، بیت الصنم (ص ۱۹۵)، دارالنور (ص

۲۲۰)، دارالبهاء، ذوالمجد العیان و ذی الملک القدیم (ص ۲۲۷)، سم الخیاط (ص ۲۶۸)، نعم

المنی (ص ۲۶۹)، سواد الوجه (ص ۲۷۳)، ذات الحبک (ص ۲۷۵)، جوع البقر (ص ۲۸۴)، بئس

القرین (ص ۳۳۱)، رجع البصر (ص ۴۰۹)، ذوالبهاء (ص ۴۱۹)، سلطان الوری (ص ۴۲۰) و ...

در مثنوی طاقدیس از این دست ترکیبات در جای جای اشعار به چشم می خورد به

طوری که در بعضی موارد شعر را از یک دستی بیرون می سازد.

۴- ترکیبات عربی - فارسی: بعضی از این ترکیبات به نوبه خود ساخته شاعر و

برخی هم کم استعمال هستند: غاشیه گردان و طوفگاه (ص ۲۷)، مخلص نواز (ص ۶۳)،

عرش سای (ص ۷۲)، عزّوش (ص ۷۶)، مثلک آسا (ص ۱۲۹)، شیطان فریب (ص ۱۷۲)،

هیچ بن هیچ (ص ۱۹۲)، کفر سوز (ص ۱۹۴)، حورآوش (ص ۲۰۵)، عرش آشیان (ص

۲۰۶)، کل آفرین (ص ۲۱۲)، عطرستان (ص ۲۱۳)، بلا بالا (ص ۲۶۲)، دولت سرا (ص

۲۳۰)، خوش عنان (ص ۲۳۰)، والاجناب (ص ۳۰۳)، شربت خانه (ص ۳۴۱)، بول زاد (ص

۳۹۸)، نوبت چیان (ص ۴۰۳)، تأثیرپردازی (ص ۴۰۴) عطرسای (ص ۴۰۷)، وحشت سرا

(ص ۴۰۹)، عشرت سرا (ص ۴۱۰)، گردون بساط (ص ۴۱۸)، تجلی بار (ص ۴۳۲) و ...

۵- کلمات مذهبی: با توجه به بعد مذهبی شاعر و مضامین طاقدیس، کلمات مذهبی

در این کتاب فراوان مشاهده می شود: رحمت، لطف، عطا (ص ۲۸)، توفیق، خدا (ص ۲۹)،

روحانیان، روح القدس، جبرئیل، قاب قوسین، علی (ع)، عرشیان (ص ۳۰)، ملایک، اطاعت،

سجده، توحید، بندگی، مولی، بهشت، رضا (ص ۳۶)، قدس، حق، شیطان لعین، نور مطلق

(ص ۳۸)، دیو رجیم، عالم کروبیان، رانده درگاه (ص ۴۴)، فرشته، وادی ایمن، نور صفا (ص

۴۷)، الست، عرش، کرسی، موسی (ع)، کوه طور، تجلی (ص ۴۹)، سامره، یعقوب، مهدی

(عج)، احمد (ص)، حیدر (ع)، حریم کعبه، الله، محراب (ص ۸۶)، رسول الله، غوث الامم، تاج لولاک (ص ۹۱) و ...

۶- کلمات دور از ادب: مواردی از لغات دور از ادب در طاقدیس آورده شده که بی تردید از ارزش آن کاسته است، همچنانکه در مثنوی مولوی این خصوصیت را می‌یابیم، هر چند استعمال این کلمات، بار معنایی را آسانتر منتقل میسازد، به کارنبردن آنها ارزش اثر را به مراتب بالاتر میبرد. در این قسمت برای پاسداشت ساحت شعر و توجه به عفت قلم از ذکر آنها خودداری میشود و فقط به تعدادی از آنها با ذکر صفحه اشاره میگردد: ۷۸، ۸۳، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۹۸، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۳۱۹، ۳۴۱ و....

۷- مترادفات: در طاقدیس به مواردی مترادف بر میخوریم که بی شک ذکر آنها چندان ضرورتی ندارد؛ زیرا «یکی از فواید تأکید به وسیله تکرار و آوردن مترادف، جلوگیری از توهّم و اشتباه است» (فرشیدورد، ۱۳۶۳، ج ۲، ۴۰۱) و آوردن این گونه مترادفات به هیچ وجه دفع توهّم نمیکند. در ذیل به تعدادی محدود از این دست اشاره میکنیم:

حاجب و دربان (ص ۲۹)، شهرو دیار، خلق انبوه و گروه بی کران (ص ۳۰) عهد و میثاق، انیس و همدم، بی صبر و بی آرام (ص ۳۱)، جاه و منصب (ص ۳۲)، نور و ضیاء (ص ۳۵)، شرحه شرحه و پاره پاره، ریش ریش (ص ۸۵).

ای خدا دارم دلی از دست خویش شرحه شرحه، پاره پاره، ریش ریش (ص ۸۵)
یا در بیت ذیل می‌بینیم مترادفات پشت سرهم، حوصله خواننده را لبریز میکند.
گه حسیض و گه هبوط و گه وبال گه کسوف و گه افول و گه زوال
(ص ۴۹)

البته بعضی از مترادفاتی را که معنی شعر را رسا و زیبا میسازد، مشاهده میکنیم: نغز و دلکش (ص ۳۱)

یاد ما کن زانکه یاد ما خوش است یاد ما شیرین و نغز و دلکش است
(ص ۳۱)

ج) سطح ادبی: از بین عناصر گوناگونی که سطح ادبی را تشکیل میدهد، عنصر تشبیه را در قالب اضافه تشبیهی برگزیدیم تا علاوه بر پرهیز از تکرار در این مقوله به یک ویژگی اشاره کنیم که در طاقدیس نسبت به آثار دیگر برجستگی خاص دارد و آن آوردن اضافه‌های تشبیهی جدید است، زیرا میتوان آن را جزو عناصر سبکی به حساب آورد، همچنان که میدانیم «مختصه سبکی، آن مختصه تکرار شونده یا غیر متعارف یا منحصر به فردی است که یا جالب است و توجه خواننده دقیق را به خود جلب میکند و یا در

لابلای اجزای گوناگون اثر پنهان است و فقط حس میشود و سبک شناسی به دنبال کشف آن است» (شمیسا، ۱۳۷۲، ۱۵۹)

در طاق‌دیس موارد فراوانی از این نوع یافت میشود که مقدار کمی از آنها را بیان میکنیم. تشریف فضلنا، نشتر غم، تاج کرمانا (ص ۳۰)، گلشن خلوتگه (ص ۶۰)، بهارستان فیض (ص ۷۴)، گودال عدم (ص ۷۷)، گرگ جان (ص ۷۹)، بختی گردون (ص ۸۹)، قلزم کفر (ص ۹۵)، ساغر خودداری (ص ۹۵)، صهبای ملال (ص ۹۹)، شهرستان غیب (ص ۱۰۵)، زمین فیهو حسبه (ص ۱۰۸)، شیشه تقوا (ص ۱۱۵)، تیه کسالت (ص ۱۱۶)، اسب ذهن (ص ۱۱۹)، عیسی صبح (ص ۱۳۰)، سعیر قهر (ص ۱۳۳)، گلبن طبع (ص ۱۷۸)، خار سودا (ص ۱۷۸)، قاصد آه (ص ۱۹۹)، سیلاب دموع، بلبل وحدت، زاغ کفر، بهار وحدت (ص ۲۰۰)، اره جور و جفا (ص ۲۱۲)، نخل خواهش (ص ۲۱۳)، نگارستان جان (ص ۲۱۷)، صرصر غیرت (ص ۲۲۱)، کوکب نیرو (ص ۲۲۱)، شیشه دوران (ص ۲۲۳)، بحر نعماء (ص ۲۲۴)، دیگ صحرا (ص ۲۲۵)، بزم عزت (ص ۲۲۶)، قلزم انوار، ذروه عزت، بیغول عدم (ص ۲۲۷)، تاج لافتی (ص ۲۵۲)، افسر فقر (ص ۲۵۷)، ابلق همت، مصر جسم، بطحای جان، عمان بقا (ص ۲۵۹)، رخس عشق (ص ۲۶۰)، مجمر دل (ص ۲۶۱)، شیشه ناموس (ص ۲۶۴)، کوه انیت (ص ۲۷۰)، توسن اجلال (ص ۲۷۲)، خیک جاه (ص ۲۷۸)، بیابان وفا، زغال تن (ص ۲۷۹)، بندرگاه غیب (ص ۴۰۱)، اتلال دل (ص ۴۰۹)، شاهد عزت (ص ۴۱۲)، هندستان جان (ص ۴۱۷)، رخس عزت (ص ۴۲۰)، میزاب رحمت (ص ۴۲۰)، قبه عزت (ص ۴۲۰)، قاف اجتبا (ص ۴۲۴)، لیلی شب (ص ۴۲۵)، منجنیق عشق (ص ۴۲۹) و ...

آرایه تلمیع:

یکی از شاخصه های سبکی طاق‌دیس بسامد بالای آرایه تلمیع است که به صورت های گوناگون به چشم میخورد، تلمیع در اصطلاح بدیع عبارتست از: شعری که مصرعی یا بیتی از آن به فارسی و مصرع یا بیت دیگر به زبانی دیگر باشد. (شریفی، ۱۳۸۷، ۱۳۴۹)

۱- تلمیع یک مصرع: ص ۷۶، ص ۷۹، ص ۸۱، ص ۸۴، ص ۹۰، ص ۹۸، ص ۱۰۲، ص ۱۰۷، ص ۱۱۸، ص ۱۴۷، ص ۱۴۸، ص ۱۶۶، ص ۱۶۹، ص ۱۷۶، ص ۱۷۹، ص ۲۶۴ و ...

۲- تلمیع یک بیت: ص ۵۲، ص ۸۷، ص ۹۰، ص ۹۱، ص ۱۰۳، ص ۱۱۳، ص ۱۴۱، ص ۱۵۲، ص ۱۹۰، ص ۲۹۰، ص ۲۹۵، ص ۳۰۶، ص ۳۵۴، ص ۳۶۵، ص ۴۰۰، ص ۴۲۲ و ...

۳- تلمیح قسمتی از یک مصرع: ص ۷۵، ص ۷۹، ص ۸۰، ص ۸۱، ص ۹۰، ص ۹۱، ص ۹۹، ص ۱۰۱، ص ۱۰۳، ص ۱۱۱، ص ۱۱۷، ص ۱۱۸، ص ۱۲۳، ص ۱۲۸، ص ۱۳۰، ص ۱۷۶، ص ۱۸۳، ص ۱۹۰، ص ۱۹۴، ص ۲۱۸، ص ۲۲۰، ص ۲۵۴، ص ۲۶۱، ص ۲۶۸، ص ۴۰۶، ص ۴۲۸ و...:

می‌کشد ربطت به «مربوطاً الیه» (ص ۷۹)

در دو عالم «لیس لیسر الاحد» (ص ۸۰)

هست «نسلاً بعدَ نسلٍ» تا ابد (ص ۸۱)

۴- تغییر آیه و حدیث: گرچه این نوع در مقوله تلمیح می‌گنجد، با توجه به آنکه آیه و حدیث به علت حفظ وزن شعر تغییر پیدا کرده است و بصورت عبارت عربی در آمده است، در این قست ذکر می‌شود:

مثلاً در صفحه ۴۹ آیه «جعله دكا و خرّ موسى صاعقاً» را به این صورت تغییر داده است: صار دكاخرّ موسى صاعقا (اعراف / ۱۴۳) یا در صفحه ۷۴، آیه «یا لیت بینی و بینک بعدالمشرقین» به این صورت: «بیننا یا لیت بعدالمشرقین» (زخرف / ۳۸) و یا در صفحه ۱۴۱، حدیث حضرت علی (ع) «انما المرء مخبوء تحت لسانه» به این صورت: «کل مرء قد خبی تحت اللسان» و صفحات ۱۰۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۳۶۱ و ...

نتیجه:

یکی از مشهورترین مثنوی‌های دوره بازگشت ادبی، مثنوی طاق‌دیس، اثر طبع ملا احمد نراقی است که متأسفانه با ارزش معنوی والایی که دارد، چندان مورد توجه نیست. در این پژوهش سبک طاق‌دیس با عنایت به عناصر سبکی و ویژگی‌هایی که دارد؛ چنانکه در سطح زبانی، بسامد بالای لغات عربی و ترکیبات جدید و لغات نامأنوس و کهن و همچنین در سطح ادبی، بسامد بالای لغات جدید و یا کم استعمال اضافه تشبیهی، و در سطح فکری محتوای اثر و در پایان آرایه تلمیح مورد بررسی قرار گرفته است. تأثیر فراوان نراقی در مثنوی طاق‌دیس از مثنوی مولوی از جمله مواردی است که میتوان به آن اشاره کرد.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- گنجینه روایات نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۳- ابراهیمی، مختار (۱۳۵۸)، شرح آرزومندی، سبک شناسی شعر فارسی، تهران، انتشارات معتبر.
- ۴- خاتمی، احمد (۱۳۷۴)، پژوهشی در نثر و نظم دوره بازگشت ادبی، تهران مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا.
- ۵- شریفی، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- ۶- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، موسیقی شعر، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۸- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیات سبک شناسی، تهران، انتشارات فردوس.
- ۹- عبادیان محمد (۱۳۷۲)، درآمدی بر سبک شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات آوای نور.
- ۱۰- غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷)، سبک شناسی شعر پارسی، تهران، نشر جامی.
- ۱۱- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳)، درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸)، دستور مفصل امروز، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن.
- ۱۳- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۸)، مثنوی مولوی، چاپ ششم، تهران، انتشارات عالم گیر.
- ۱۴- نراقی، حاج ملا احمد (۱۳۶۲)، مثنوی طاق‌دیس، به اهتمام حسن نراقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.